

هو الله - ای ثابت بر پیمان نامه شما رسید، مضمون بسیار عجیب زیرا این شبهات تازه اشتهار نیافته.

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



۹۴

هو الله

ای ثابت بر پیمان نامه شما رسید، مضمون بسیار عجیب زیرا این شبهات تازه اشتها نیافته. قرون و اعصار متوالیه است که در اروپا این زمزمه بلند است و همچنین در قرون اولی در آسیا انتشار داشت. ولی در هر عهد قوه نافذه کلمه الله بنیان این شبهات برانداخت و نور مبین مانند آفتاب اشراق نمود. چه ادله و براهین این بی خردان اوهن از بیت عنکبوت و در نهایت سستی و ضعف مشهود. هر چند غافلان ایران متابعت مادیون فرنگیان خواهند و پیروی طبیعیون اروپ تقلیدا آرزو دارند ولی از قواعد و اصول آنان بی خبرند و از ادله و حجج و موضوع و محمول ایشان بی اطلاع. اروپائیان در مذهب طبیعی بحسب فکر و آرای خویش محققند ولی طبیعیون ایران مقلده. لهذا با فرنگیان در این مسئله مباحثه و بیان آسان زیرا بقاعده و دلیل صحبت میدارند و انسان بقاعده جواب میدهد. ولی با این مقلدان ایران بسیار مکالمه مشکل است، زیرا آنچه میگویند صرف مدعاست نه دلیل و نه برهان.



ORIGINAL



AUDIO

مثلا مسئله عناصر نچنین است که ایرانیان میگویند علمای طبیعیون این مسئله را چنین ترتیب میدهند و بر این اساس جمیع مسائل طبیعیّه را تأسیس مینمایند. زیرا این اصل مذهب آنان است و مسائل دیگر بتمامها فروغ. و آن اینست که در عالم وجود عناصر بسیطه هر یک جزء واحد است و قابل تجزّی و تفصیل نیست و جمیع کائنات ترکیب این عناصر مفرده یعنی مرکّب از اجزاء متنوّعه اند یعنی عناصر بسیطه را تشبیه بحروف نمایند و حروف تجزّی نشود. مثلا الف مفرد است این را از هم تجزّی نتوان نمود اما کائنات سائره بمنزله کلمه اند که مرکّب از حروف متعدّده اند کلمه را تفصیل و تجزّی توان نمود. باری گویند که چون در جمیع موجودات ملاحظه نمائی واضح و مشهود است که این عناصر بسیطه بصور نامتناهیّه منحل و ترکیب شده است هر ترکیبی کائنی از کائنات موجوده و چون این ترکیب تحلیل گردد عدم نسبی و اضافی تحقّق یابد زیرا عدم محض را مستحیل و محال دانند.

مثلا گویند اجزائی ترکیب شده است و از آن ترکیب انسان تحقّق یافته. چون این ترکیب تحلیل گردد این کائن بشری از میان برود. ولی آن اجزاء اصلیه و عناصر فردیه باقی و برقرار است. پس تحقّق کائنات از ترکیب است و تشنّت موجودات از تحلیل این ترکیب و تحلیل متتابع و مترادف و مستمرّ در این صورت چه احتیاج بحیّیّ قدره. این خلاصه برهان آنان و دلیلشان بزعمشان واضح و عیان. در وقت بحث این مسئله را تأسیس نمایند. چون این مسئله مبنی بر قواعد و اصول است لهذا جواب آسان و بکمال اختصار بیان بطلان این قضیه میتوان نمود. چنانکه با فلاسفه اروپا و امریک بتکرار این مسئله در میان آمد و بچند کلمه جواب قناعت نمودند و تسلیم کردند.

در جواب گفته شد که این ترکیب که اسّ اساس وجود و سبب حیات کائنات است از اقسام ثلاثه ترکیب کدام یک است زیرا ترکیب یا تصادفی است و یا لزوم ذاتی و یا ارادی یعنی تحت اراده الهیه. اگر بگوئیم ترکیب کائنات تصادفی است معلول بیعلّت لازم آید. و این ممتنع و محال است که معلول بیعلّت تحقّق یابد بطلان این قضیه بدیهی است و اگر این ترکیب لزوم ذاتیست در اینصورت تحلیل ممتنع و مستحیل ابدیت و سرمدیت از لوازم ذاتیه آن این هم که نیست. پس چه ماند ترکیب ارادی یعنی باراده حیّ قدیم. هذا هو الحقّ و ما بعد الحقّ الا الضلال المبین و در این مورد در سؤال و جواب مس بارنی بحثی دقیق در این قضیه گردیده.

و اما تفاوت بین نفوس و پستی و بلندی و برتری و بهتری. طبیعیون دو قسمند قسمی برآند که این بهتری و برتری و تفاوت بین بشر در اصل خلقت است باصطلاح آنها از مقتضای عالم طبیعت است و گویند که تفاوت بین نوع واضح است. که طبیعی است مثلا نوع اشجار تفاوت و امتیازشان طبیعی است و حیوان نیز تفاوت طبیعی دارد حتّی در جماد نیز تفاوت طبیعی است یکی معدن سنگ است و دیگری معدن لعلّ پر آب و رنگ. یکی صدف است و دیگری خزف. و قسم دیگر از فلاسفه قدما برآند که تفاوت بین بشر و امتیاز عقول و هنر از تربیت است. زیرا شاخ کج تربیت راست گردد و درخت بی ثمر بیابانی بستانی شود و پیوند گردد و بارور شود

و شاید تلخ است شیرین شود میوه اش صغیر است کبیر گردد و لذت و حلاوت یابد و برهان اعظمشان اینست که زنگیان افریک قاطبه وحشی و نادانند و متمدنان امریک قاطبه دانا و هوشمند و این واضح است که تفاوت این دو فرقه مبنی بر تجربه و تربیت است این قول فلاسفه و حکما است.

ولی انبیا بر آنند که در اصل فطرت تفاوت مسلم و مبرهن و فضلنا بعضکم علی بعض قضیه ئی محتوم و معلوم. البتّه نفوس بشر در اصل فطرت مختلفند اگر اطفال معدود از یک پدر و یک مادر در مکتب واحد و بتعلیم واحد و تربیت واحده و بغذاء و طعام واحد پرورش یابند بعضی بنهایت علم و درایت رسند و بعضی متوسط باشند و بعضی بهیچوجه تعلیم نگیرند. پس معلوم شد که تفاوت در بین بشر از تفاوت مراتب و خلقت است و همچنین تعلیم و تربیت را نیز تأثیری عظیم مسلم و مقرر دانند. مثلاً اگر طفل از دبستان محروم ماند البتّه جاهل و نادان ماند و معلوماتش محصور در اکتشافات خویش باشد. و چون نزد ادیب دانا تحصیل علوم و معارف نماید بر اکتشافات هزاران نفوس از بشر اطلاع یابد. پس تعلیم اهل ضلالت را سبب هدایت شود و کوران را علت بینائی گردد پیگردان را دانا کند بی حاصلان را سبب بزرگواری شود انسان ابکم را ناطق کند و فجر کاذب را صبح صادق نماید دانه صغیر را نخل باسق نماید و عبد آبق را ملیک فائق فرماید. لهذا البتّه تربیت تأثیر دارد. و نظر باین حکمت است که مظاهر غیب احدیت و مطالع رحمانیت در عالم بشریه مبعوث گردند تا نوع انسان را بنفحات قدس تربیت نمایند و طفل رضیع را رجل رشید کنند. پس محرومان ناسوت محرمان لاهوت گردند و بی نصیبان بهره و نصیب یابند.

ای ثابت بر پیمان رساله تألیف بارنی را که در اروپا طبع شده است از طهران بطلبید در این مسئله و شبهات دروین فیلسوف انگلیس که مقتدای طبیعیون اروپا است مفصل مخاطباتی شده است. اما عبارتی را که مرقوم فرموده بودید عناصر محسوسه را موجد و مولد جمیع اشیای موجوده دانند پس در این صورت عناصر که موجد و مولدند هر یک از آلهه هستند چه که ایجاد صفت الله است در این صورت طبیعیون ایران معتقد به اله هستند ولی آلهه متعدده غیر متناهی. ملاحظه نمائید که بیان چگونه مشوش است. ولی طبیعیون اصلین اروپا چنین گویند. برآنند که عناصر بسیطه بصور نامتناهی ترکیب گردد. و هر صورتی کائنی از کائنات شود و چون تحلیل یابد آن کائنات عدم اضافی یابد. و اما مسائل دیگر که بحث و نقل از طبیعیون نموده بودید که فرد اکمل در نوع بشر دارای کمالات نامتناهی است و از شدت ذکاء و فطانت کشف اسرار کائنات نماید و از هزار سال بعد خبر دهد. این قول مانند دانه افشانی است که مرغان معصوم را شکار کنند و مقصدشان اینست که باین وسائل در بدایت با متدینین بالله محاوره و مجالست و مؤانست نمایند تا کم کم از صراط مستقیم منحرف کنند.

ای احبای الهی باید هر یک در اینمسائل چنان ملکه حاصل کنید که بقوه برهان انبیا و رسل نادانان و نوسوسانرا لسان قطع نمائید. زیرا انبیا الهی نفوس مقدسه انسانی و اما ما دون اسیر و مفتون طبیعت و شیطان نفسانی البتّه مظاهر رحمانی غالب بر تمایل حیوانی گردد. اندازات جمال مبارک بملوک ارض بنهایت صراحت

بدون تأویل و احتیاج تفسیر در اثبات قوه قدسیه ماوراء الطبیعه برهان کافی وافی است. سور ملوک را مطالعه نمائید و خطابه‌های شدید را دقت کنید و انذارات عظیمه را ملاحظه نمائید و خطاب ”یا ایّها النقطه الواقعة فی شاطئ البحرین“ را تمعن فرمائید و خطاب بطهران را نیز اندک ملاحظه کنید و خطاب بسواحل نهر رین را از نظر بگذرانید و تطبیق بوقوعات حاصله کنید که جمیع این انذارات در مدتی قلیله تحقق یافت. آیا بادراک بذکاء طبیعی کشف این وقوعات مهمه در اندک زمان پیاپی ممکن است و تحقق این وقوعات در ایام قلیله تصور میشود لا والله مگر آنکه بقوه ملیک مقتدر تحقق یابد و بکلمه نافذهاش مجری کند و از پیش خبر دهد فرصتی نیست و الا از این مفصلتر مرقوم میشود و علیک البهاء الأبهی (ع ع)

